

## درآمدی بر گونه‌شناسی سینمای دفاع مقدس

### توپ، تانک، تصویر

سینمای دفاع مقدس اگرچه به‌عنوان یک ژانر مستقل شناخته می‌شود اما از یک سو با ژانر جنگی به معنای متعارف و آنچه در سینمای جهان می‌بینیم متفاوت است و از سوی دیگر می‌تواند در نسبت با ذیل ژانرهای دیگر هم تعریف شود. مثلاً فیلم لیلی با من است کمال تبریزی از یک سو مصداقی از فیلم دفاع مقدس است و هم در ژانر کمدی تعریف می‌شود. واقعیت این است که سینمای دفاع مقدس را می‌توان از منظر معیارهای گوناگونی طبقه‌بندی کرد. مثلاً از حیث زمانی می‌توان آنها را به فیلم تولید شده در زمان جنگ و پس از جنگ تقسیم کرد و بر همین مبنا دو رویکرد پرداختن به جنگ و ابعاد آن یا پرداختن به آدم‌های جنگ و دغدغه‌های آنها را می‌توان دو گونه از نگاه و روایت از هشت سال دفاع مقدس دانست. بر این اساس مثلاً می‌توان مهاجر دیده بان را درباره واقعه جنگ و آژانس شیشه‌ای را دربارهٔ دغدغه آدم‌های جنگ یا تأثیرات آن بر زیست اجتماعی بعد از جنگ تقسیم کرد. در یک دهه اخیر شاهد انواع فیلم‌های دفاع مقدسی هستیم که می‌تواند ساحت‌های تازه‌ای از ساختار سینمای دفاع مقدس را صورت‌بندی کند. مثلاً محمد حسین مهدویان قصه جنگ را با روایت تاریخی آن گره زده و از حیث فرمی سینمای داستانی را با سینمای مستند ترکیب کرده است و شمایل تازه‌ای از سینمای دفاع مقدسی ارائه داده است. ساخت فیلم بر اساس روایت‌ها و شخصیت‌های واقعی جنگ را هم می‌توان گونه دیگری از این ژانر دانست. مصداق بارزش فیلم «چ» حاتم‌کیا که محورش شخصیت شهید چمران است یا سریال «شوق پرواز» که درباره شهید بابایی است. حدود ۴۰ سال است فیلم‌هایی در حوزه جنگ و دفاع مقدس ساخته می‌شود. در این مسیر قراز و فرودهای بسیاری وجود داشته و برخی سال‌ها شاهد اوج و شکوفایی این آثار بودیم. سال‌هایی هم بوده که فیلم‌های دفاع مقدسی افول کرده و دیگر درخشش گذشته را نداشته‌اند، اما سینمادوستان و طرفداران سینمای جنگ تغییراتی را در چند سال گذشته در این فیلم‌ها درک کرده‌اند. تغییرات مثبتی که باعث شده مخاطبان این دست آثار فقط یک عده خاص نباشند و دیگر سینماروها از روی علاقه پول دهند و بلیت سینما بخرند. شاید اصلی‌ترین ویژگی که باعث این تغییرات شده، استفاده از سوزه و داستان واقعی برای ساخت آثار سینمایی است. کارگردان نسل جدید در این سال‌های اخیر با به کار گرفتن سوزه‌ها، داستان‌های مستند و واقعی، فاصله گرفتن نسبی از میدان جنگ و به تصویر کشیدن اندک توپ و تانک و تجهیزات جنگی نتوانسته‌اند نظر مخاطبان را جلب کنند. علاوه بر این موارد، خلق قهرمان‌هایی به دور از شعار، روایت ابعاد تازه‌ای از جنگ و تأثیراتش بر بازماندگان، ویژگی‌های دیگر آثار دفاع مقدسی موفق چند سال اخیر بوده‌اند. ویژگی‌هایی که می‌توان آنها را در آثاری مانند «ایستاده در غبار»، «بوسیدن روی ماه»، «تنگه ابوقریب»، «شیار ۱۴۳»، «۲۳ نفر» و «ویلاهی‌ها» و... یافت. یکی از گونه‌های جذاب سینمای دفاع مقدس، گونه اقتباسی آن است که به سراغ ادبیات داستانی جنگ رفته. نمونه‌اش فیلم ۲۳ نفر. می‌توانیم این اثر را فیلم دفاع مقدسی اقتباسی بدانیم، اما اقتباسی بر لروماً بر اساس یک ادبیات داستانی تخیلی نباشد. خود آن داستان هم مبتنی بر یک واقعیتی که اتفاق افتاده، روایت شده است. این فیلم را می‌توان مصداقی از دیگر ازسینمای دفاع مقدس است. ضمن اینکه ما با نوعی دیگر از سینمای دفاع مقدس هم مواجهیم که می‌توان آن را سینمای اجتماعی جنگ دانست که تلاش می‌کند تا به زندگی اجتماعی در زمان جنگ یا تأثیرات جنگ بر زیست اجتماعی بپردازد. بدیهی است پرداختن به همه این ابعاد در این یادداشت ممکن نیست اما بهانه‌ای است تا یادآور شود سینمای دفاع مقدس ظرفیت و ظرافت‌های کشف نشده زیادی دارد که باید به سراغ آن رفت.



«ایستاده در غبار» به کارگردانی محمدحسین مهدویان

بدهیم. ساخت این آثار به فکر، ایده، خلاقیت و مهمتر از آن به دیدگاه درست نیاز دارد. **■ خاورمیانه‌مسئعصدامدیگریست** هنوز گروهی که جزو طلبکاران سینمای جنگ هستند بر طبل سینمای اوایل جنگ می‌کوبند در حالی که ما امروز با مخاطبی مواجه هستیم که اختلاف سنی حداقل سی ساله با پدرش دارد، نه جنگ را دیده و نه تجربه‌ای از جنگ دارند، به مدد فناوری و تکنولوژی جدید در بدن داریم و این امکان و شرایط می‌یاست در این حوزه کار کنیم. هنوز در کشورهایی مثل آمریکا درباره جنگ جهانی دوم فیلم می‌سازند و چون معتقدند هیتلر و آلمان نازی با مشخصه فاشیسم ممکن است در هر دوره‌ای بروز و ظهور کند. بنابراین لازم است از طریق صنعت، مدیا و رسانه سینما یادآور شویم که اگر غفلت کنیم ممکن است هیتلر دیگری پیدا شود. ما هم باید همین بنیان نظری را برای سینمای دفاع مقدس در نظر بگیریم. بستر خاورمیانه بشدت مستعد آن است که صدام دیگری در آن ظهور کند. این آمادگی را داشته باشیم و تفکر ناسیونالیست عربی و عرب‌گرایی تفکری که از نوعی جاهلیت عربی نرزد صدام برمی‌آمد، می‌تواند هر را در تقابل عجم ستیزی قرار ندهیم؛ تازه‌ای متولد شود و با دستمایه قرار دادن همین شعارها دوباره منطقه را به هم بریزد.



نمایی از فیلم «چ» به کارگردانی ابراهیم حاتم‌کیا

عاشقانه زوج‌های جوان در جنگ جهانی جمع‌آوری شده و به همراه عکس‌های جوانی و پیریشان به نمایش گذاشته شده است. این تجربه اگر چه متعلق به سال‌ها قبل است اما برای من که نه شناختی از صاحبانش داشتم و نه به لحاظ ظاهری قربانی با آنها، جذاب بود چون باطن ماجرا، امری تکرار شدنی است. جنگ تکرار می‌شود، مردم با آن مواجه هستند و همین جدایی‌ها دائم اتفاق می‌افتد. او معتقد است اساساً یکی از اهداف ساخت این آثار انداز و هشدار برای جهان است تا مانع از تکرار دوباره آن شوند: «اثرات جنگ ۸ ساله همچنان در زندگی مردم ما جاری و ساری است و حتی روی مناسبات جهانی هم تأثیر گذاشته است که از جمله آن حمله آمریکا به عراق و دگرگون شدن وضعیت این کشور است. پس این موضوع، موضوع ملی نیست، جهانی است.» برزیده اگر چه بر انتخاب مضامینی متناسب با اتفاق روز در پرداخت به مسائل جنگ تأکید دارد اما در عین حال هشدار می‌دهد که اتفاقات دفاع مقدس نباید به نفع جریان فکری خاص مصادره شود: «یادآوری اینکه ما آرمان‌ها و تفکراتی داشتیم برای رسیدن به آن چه‌ها کردیم خیلی خالصانه است. آرمان‌هایی که مشخص و تعریف شده بود. امروز که هم آرمان‌ها فراموش شده و آرمان‌خواهی، لازم است آن دوران را مرور کنیم. ولی متأسفانه حتی در سینما هم وقتی سراغ آن می‌رویم برخی دوستان، ارگان‌ها و نهادهای بازی خواهند چیزی به نفع جریان فکری خودشان استخراج کنند و در بخشی از موزه جنگ بزرگتر از آسیب مسکوت گذاشتن آن

#### ■ آب را گل نکنیم

**عبدالحسین برزیده،** از کارگردانان شناخته شده سینمای جنگ که فیلم‌هایی چون «دکل» و «پرواز خاموش» را در کارنامه دارد نیز معتقد است با وجود آثار پرشماری که در این حوزه تولید شده حق مطلب در حوزه سینمای دفاع مقدس ادا نشده است. او از یک سو گسترده‌گی سوزه و دوره طولانی ۸ ساله جنگ و از سوی دیگر بضاعت کم سینما را عامل این اتفاق می‌داند: «بضاعت کم ما در سینما - چه فردی و شخصی در مقام مؤلف و سینماگر و چه فنی - باعث شد نتوانیم دریای عمیق و گسترده این دوره را نشان دهیم. در نگاه‌پر توقع‌تر حتی نتوانسیم حقانیت و مظلومیت‌مان را برای آن سوزی مرزها نمایش بدهیم. لازم است مردم دنیا همراه با ما این تجربه تلخ را مزه مزه کنند و آگاه و مراقب شوند تا نه برای آنها و نه برای انسان‌های دیگر این اتفاق تکرار نشود.» این فیلمساز می‌گوید پرداختن به اتفاقات جنگ فاغ از نگرش‌ها و مضامین روز برای مخاطب بود: «روایت واقعهای در زمان گذشته اگر درست اتفاق بیفتد با مخاطب امروز هم ارتباط برقرار می‌کند. سینمای جهان همچنان به جنگ جهانی می‌پردازد با همان لوکیشن‌ها، زمانش دو برابر جنگ جهانی است. جنگی که علاوه بر تاریخ ایران بر منطقه هم تأثیر گذاشته، جا دارد اثرات خوب و بد آن تا سال‌ها مورد بررسی و نگاه فیلمسازان قرار بگیرد و حفظش کنیم اما این مهم با اصرار بر همان نگاه تکراری میسر نمی‌شود.»



فیلم‌هایی بگویم که در آن عراقی‌ها ندادن، خوشگندان و... نشان داده می‌شدند. این تحول فیلمسازی باید در دفاع مقدس به وجود می‌آمد. سؤال‌هایی که سینما باید به آن جواب بدهد می‌خواهم فزاتر بیروم و نکته دیگری را عرض کنم. به هر صورت یک نسل از آن دوران گذشته. بخشی از بچه‌های جنگ یا در میدان جنگ شهید شدند یا بعد از جنگ به شهادت رسیدند. میانگین سنی آنهاهی که ماندند بالای ۶۰ سال است. نسل دیگری به جامعه ایران اضافه شده که جنگ را ندیده است، باید با ادبیات، بیان و

دغدغهای برای پرداخت به ابعادی تازه از جنگ دارند. اسعدیان پاسخ می‌دهد: «قطعاً این دغدغه وجود دارد اما ترس مسئولان از اینکه نکنند خدشهای وارد شود و دفاع مقدس زیر سؤال برود دست و پای سینماگر را می‌بندد. سؤال این است که بعد از ۴۰ سال قرار است آنچه را در آن مقطع تعریف کردیم همچنان تعریف کنیم یا اینکه بازتعریف کنیم.» اسعدیان در پاسخ به این سؤال که پرداختن به چه ابعادی از جنگ نیاز



«بوسیدن روی ماه»

امروز جامعه ماست، مرور کلی بر روند تولیدات سینمای دفاع مقدس دارد: «در دوره جنگ باید در جهت تهییج مردم، نیروها و تشویق برای حضور در این مقاومت کار می‌کردیم. نه فقط سینما بلکه تمام ابزارهای هنر و اطلاع‌رسانی باید به کار گرفته می‌شد تا این باور را تقویت کنیم که دفاع بجا و یقن است. و باید برای آن تلاش کرد. با تمام شدن این مقطع و فاصله گرفتن از جنگ نوبت به تبعات و آثار جنگ و بازماندگان جنگ رسید. سوزه‌هایمان شد، دغدغه جانبازان و مشکلات افراد شیمیایی. در مقطع بعدی ممکن است دچار تردید و سؤال هم شویم. همان‌طور که در عرصه سیاسی سال‌هاست در این باره بحث می‌کنیم ممکن است در عرصه سینما هم برای فیلمساز دغدغه‌هایی ایجاد شود اما این به معنای زیر سؤال

#### ■ ۴۰ سالگی و مواجهه با نسل جوان

پاسخگوئی به ابهامات نسل نو و پرداختن از منظری متناسب با ۴۰ سالگی دفاع مقدس نکته‌ای است که **همایون اسعدیان**، بر آن تأکید دارد. کارگردان «بوسیدن روی ماه» می‌گوید: «راچ به جنگ جهانی دوم هنوز فیلم ساخته می‌شود اما همچنان جذاب است و کارکرد دارد. سینمای دفاع مقدس هم می‌تواند جذاب باشد به شرط آنکه در نگاه دهه ۶۰ فریز و منجمد نشود. به شرط آنکه بدانیم نگاه نسل امروز در دهه ۹۰ به جنگ چیست و برای این نگاه و ابهام چه باید طراحی کنیم و چگونه پاسخ بدهیم. حاشیه جنگ در دهه ۹۰ متفاوت از دهه ۷۰ است. نمی‌شود با همان نگاه پروپاگاندای زمان جنگ این جنگ ملی، میهنی وایدئولوژیک و عقیدتی را به نسل جوان نشان داد.» او با تأکید بر اینکه این موضوع تا دهه‌های بعد هم تمام شدنی نیست، ادامه می‌دهد: «با گذر زمان نیاز داریم از منظرها و دیدگاه‌های مختلف به آسیب‌شناسی، تأیید یا بیان رشادت جوان‌هایی که جان شان را برای این کشور گذاشتند، بپردازیم اما همچنان اصرار بر این است که به همان نگاهی که لازمه دهه ۶۰ بود - تأکید می‌کنم ضروری بود که برای این دهه نگاهمان بعد تهییجی داشته باشد- به جنگ نگاه کنیم. در حالی که با همان فرمول و نگاه سراغ سینمای جنگ رفتن، به نوعی در چارژدن است و طبیعی است که دلزدگی ایجاد کند و مخاطب امروز با آن ارتباط برقرار نکند.» با توجه به مشکلات تولید آثار این حوزه آیا سینماگران امروز

دیگر نبردی در میدان اتفاق نمی‌افتاد. مسائلی به‌عنوان تبعات جنگ وجود داشت که باید به آن توجه می‌شد. باید مظلومیت جانبازان شیمیایی چه در شهرهای غرب ایران و چه رزمندگان که در میادین نبرد حضور داشتند را ثبت می‌کردیم. اینها استادی بود که باید به تصویر کشیده و نه فقط به مردم دنیا بلکه به مردم کشور خودمان نشان داده می‌شد. معلولان و جانبازان درگیر تخت بیمارستان‌ها و هزار و یک مساله و دغدغه بودند که باید به آنها پرداخته می‌شد. باید قدر و منزلت آنها به‌عنوان قهرمانان خاموش جنگ به زبان سینما مطرح می‌شد.

#### ■ تغییر ادبیات دفاع مقدس متناسب با شرایط زمان

در این گذر ۴۰ ساله دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده‌ایم اما عده‌ای همچنان